

بررسی نقش قبیله خزاعه در سه رویداد تاریخی

(غزوه مُریسبع، صلح حدیبیه، فتح مکه)

اصغر منتظرالقائم^۱

زهرا حسین هاشمی^۲

فاطمه علیان^۳

چکیده

قبیله خزاعه یکی از قبایل بزرگ عرب و از شاخه‌های قحطانی است. این قبیله از فرزندان ربیع و اُفصی پسران حارثه بن عمرو بن عامر بن حارثه بن امریء القیس بن ثعلبه بن مازن بن ازد بودند و به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌گردند. آن‌ها پس از مهاجرت در مرالظهران مکه سکونت داشتند و در نزدیکی مکه خیمه و چراگاه داشتند. پس از هجرت رسول خدا (ص) به مدینه منوره، روابط صمیمی و همکاری بین خزاعه و رسول الله (ص) هر روز ابعاد بیشتری می‌یافت؛ به گونه ای که مسلمان و مشرک آنان، همگی رسول الله (ص) را دوست می‌داشتند و در مکه و تهامه هر اتفاقی می‌افتاد رسول الله (ص) را از آن با خبر می‌ساختند و از هواداران آن حضرت محسوب می‌شدند و در هنگام بستن صلح حدیبیه نیز بنی خزاعه پیمان همکاری خود را با رسول خدا (ص) اعلام کردند. در مورد اسلام آوردن خزاعه که همکاری و روابط آنان با رسول خدا (ص) سابقه‌ای دیرینه داشته، نه تنها نامه آن حضرت به «بدیل بن ورقاء خزاعی» و دعوت او به اسلام بلکه

montazer5337@yahoo.com

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

hashemizahra30@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

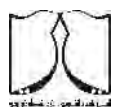
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علم طب و داروسازی در جهان اسلام دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۰۱

اسلام آوردن تیره‌های مهمی از خزاعه هم چون بنی مصطلق و أسلم نیز قابل توجه است.

این مقاله بر آن است تا با معرفی این قبیله معروف یمنی به بررسی نقش این قبیله در سه رویداد تاریخی (غزوه مریسیع، صلح حدیبیه و فتح مکه) و چگونگی اسلام آوردن آنها در حیات رسول الله (ص) بپردازد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، رسول الله (ص)، خزاعه، مریسیع، صلح حدیبیه، فتح مکه.



مقدمه

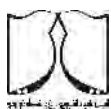
نقش قبایل عرب در تاریخ تحولات اسلام، در گسترش و تثبیت اسلام در شبه جزیره عربی و آگاهی و شناخت پیشینه آنان می‌تواند روشن‌کننده بسیاری از زوایای تاریخ اسلام و چگونگی تحولات آن، در دوران هجرت باشد. از این رو می‌توان برای نمونه قبیله «خزاعه» را که شاخه‌ای از قبیله مشهور ازد است، مورد بررسی قرارداد.

پیامبر (ص) در مکه‌ای برانگیخته شد که مرکز زندگی و استقرار قبایل و بطون و عشیره‌ها بود. از این رو ساختار قبیله‌ای نقش مهمی در تاریخ اسلام داشت. از سوی دیگر مخالفت‌ها و دشمنی و ناسازگاری قریش سبب گردید تا رسول خدا (ص) به تبلیغ اسلام در میان قبایل در موقعیت‌های مختلف بپردازد و با خبر دادن از نبوت خود، آن‌ها را به سوی آئین اسلام دعوت نماید.

بررسی تحولات تاریخ اسلام در قرون نخستین اسلامی از جهت جامعه‌شناسی قبیله‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است. قبیله خزاعه از قبایل مهم عربی است که در مکه ساکن شدند و در حوادث سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام نقش فعالی داشتند. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر گردآوری داده‌های تاریخی از منابع دسته اول سعی گردیده است تا نقش قبیله خزاعه را در سه رویداد مهم تاریخی مورد بررسی قرار دهد.

نسب و خاستگاه

خزاعه، از بزرگ‌ترین و مشهورترین قبایل عرب قحطانی (ابن حزم، ۱۴۰۳: ۲۰۹) یا جنوبی (یمنی) است که در بخشی از یمن سکونت داشتند. با این حال



اختلاف بسیاری درباره نسب و تبار آنان دیده می‌شود. بنابر نظر مشهور بیش تر مورخان و نسب شناسان، بنی خزاعه از فرزندان ربیع و افضی پسران حارثه بن عمرو بن عامر بن حارثه بن امریء القیس بن ثعلبه بن مازن بن ازد بن غوث بن نبت بن مالک بن زید بن کهلان بن سبا بن یشجب بن یعرب بن قحطان بودند (ابن کلبی، ۱۹۳۹، ۱۱۶/۲).

عقاید دینی

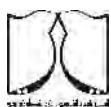
مورخین اسلامی می‌گویند اعراب در قدیم، مسلمان حنیف یعنی بر دین ابراهیم بودند اما نخستین کسی که دین ابراهیم^(ع) و اسماعیل را تغییر و آیین بت پرستی را در میان عرب هارایج گردانید، عمرو بن لَحی نام داشت (ازرقی، ۱۲۷۵، ۵۸/۱). در روایتی بنابه نوشته ابن کلبی وی همزادی از جن داشت که به عمرو گفت به کنار رودخانه جده برو، در آن جا بت‌های افتاده‌ای می‌بینی و آن‌ها را به درون‌مایه بیاور تا عرب‌ها به تعظیم آن خواهند پرداخت. سپس بتی به نام هبل به او دادند و آن را به مکه در آورد و نزد کعبه نهاد و بنابه گفته راویان اول بتی بود که در مکه نهاده شد و اعراب را به پرستش آن‌ها فراخواند و چنان بود که هر کس از سفری بر می‌گشت. پس از طواف گرد کعبه و پیش از آنکه به خانه خود برود به زیارت هبل می‌رفت و سر خود را در کنار آن می‌تراشید (همان: ۷۳). عمرو قبایل مختلف را به بت پرستی دعوت کرد.

گرایش خزاعه به اسلام

الف) غزوه مریسیع و نقش خزاعی ها در آن

رسول الله (ص) در هیچ جنگی آغازگر پیکار نبود. بلکه این توطئه‌های پنهان و آشکار دشمنانش بود که آتش جنگ را بر افروخت و رسول خدا (ص) ناگزیر به دفاع می‌شد تا پیش از غزوه مریسیع هیچ برخوردی بین ایشان و خزاعیان رخ نداده بود که شاید بتوان گفت این اولین رویارویی خزاعه با پیامبر (ص) بود و جرقه‌های مسلمان شدن این قبیله زده شد (منتظرالقائم، ۱۳۸۶: ۱۲۹). البته این بدان معنی نیست که پیش از این هیچ یک از خزاعیان با اسلام آشنا نشده بودند، بلکه از شرکت برخی از خزاعیان در غزوه بدر، احد، حمراء الاسد، سریه بئر معونه، غزوه احزاب می‌توان اشاره کرد که مراتب وفاداری خود را به عرض رسول خدا (ص) رساندند و شماری از آنها مسلمان شده بودند؛ و بعد از هجرت رسول الله (ص) به مدینه، روابط و پشتیبانی خزاعه با رسول الله (ص) ابعاد وسیعی یافت، به گونه‌ای که هر اتفاقی در مکه می‌افتاد رسول الله (ص) را از آن باخبر می‌ساختند (زمانی نژاد، ۱۳۸۴، ۱۶۵/۲).

بنی مُصطَلَق تیره‌ای از خزاعه و از هم پیمانان بنی مُدَلِج بودند که در کنار چاه آبی به نام مَرِیسیع که در راه فُرْع (مسعودی، بی تا: ۲۱۵) بود، اقامت داشتند. رئیس آنان فردی از خزاعه به نام حارث بن ابی ضِرار بود. او پیش از قبول اسلام در شمار دشمنان اسلام قرار داشت، به ویژه که بر خلاف دیگر تیره‌های قبیله خزاعه که با پیامبر (ص) هم پیمان بودند، او با ابوسفیان هم پیمان بود (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۱۷۴/۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ۲۰۳/۱).



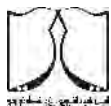
سبب این غزوه این بود که بنی مصطلق در کنار چاهی به نام مریسیع فرود آمدند، حارث بن ابی ضرار قبیله خویش و گروه‌های دیگری از اعراب را که توانسته بود، گردآورده و برای جنگ با رسول الله (ص) آماده شده بود. آنان تعدادی اسب و اسلحه خریده و برای جنگ آماده شدند. در نتیجه میان آنان و مسلمانان جنگ درگرفت و مسلمانان به رهبری رسول خدا (ص) در این غزوه به پیروزی رسیدند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۴۸/۲).

تعداد زیادی از مردان و زنان و کودکان بنی مصطلق دستگیر و اسیر شدند. جویریة دختر حارث نیز از جمله اسیران بود که به همسری رسول خدا (ص) درآمد (واقعی، ۱۴۰۹، ۴۱۰/۱).

مسلمانان همین که از ازدواج وی با پیامبر (ص) باخبر شدند، با خود گفتند که آن حضرت از این به بعد، داماد، این طایفه شده است و بدین جهت صحیح نیست افراد این طایفه، اسیر مسلمانان باشند. پس از آن، همه اسیران بنی مصطلق را که تعدادشان دویست و به قولی یک صد نفر بود، آزاد کرده به سرزمینشان برگرداندند و آن‌ها مسلمان شدند (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ۴۴۶/۲).

ازدواج عاملی است برای جلوگیری از خونریزی و جنگ؛ و اگر در میان دو قبیله جنگی صورت می‌گرفت و برای جلوگیری از غارت و چپاول و خونریزی بیشتر، بهترین راه پیوند زناشویی درمیان دو قبیله متخاصم بود و از سویی در مقابل دشمن یارانی هم پیمان داشته باشند مانند ازدواج پیامبر با جویریة که اکثر قبیله بنی المصطلق مسلمان و با مسلمانان هم پیمان شدند و از جنگ دست کشیدند.

در این حضور بود که حارث به همراه دو پسر و گروهی از افراد قبیله اش اسلام آورد (ذهبی، بی تا، ۱۰۲/۱). دلیل اسلام آوردن او، بنا بر روایات آن بود که او پیش از رسیدن به مدینه دو شتر از شتران مخصوص فدیه را برای آزادی دخترش جویریه - در دره‌ای به نام عقیق در نزدیکی مکه پنهان کرده بود، اما رسول خدا^(ص) او را از محل دقیق آن شتران آگاه کرد، او نیز با شنیدن این خبر عینی سخت تکان خورد و او و دو فرزندی که همراه او بودند اسلام آوردند و فوراً فرستاد آن دو شتر را آوردند و تسلیم رسول خدا^(ص) نمود (ابن هشام، ۱۴۱۸، ۴/۲۵۹) و از رسول خدا^(ص) خواست که برای دعوت دیگر افراد قبیله اش و نیز گرفتن زکات از آنان او را به میان قبیله اش بفرستد (بَعَوی، ۱۴۲۱، ۲/۶۸). یکی از دلایل پذیرش اسلام توسط آنان این بود که در مدت اسارت خود هیچ چیزی جز خوش رفتاری و گذشت ندیده بودند تا آن جا که اسیران آنان همگی به بهانه‌های گوناگونی آزاد گشتند. این نشان‌دهنده نوع برخورد پیامبر^(ص) با قبیله‌ای که بت پرست و مشرک بودند و از طرفی دختر حارث را آزاد کرد و او می‌توانست به سوی خاندان خویش بازگردد، اما بازنگشت و دلش به اسلام متمایل گشت و اسلام آورد. همچنین جنگ پیامبر^(ص) با خزاعه، برکات فراوانی برای مسلمانان داشت و بسیاری از خزاعی‌ها مسلمان شدند. از طرفی مصلحت نبود با قومی از خزاعه به خشونت رفتار شود و بنی خزاعه خیرخواه رسول خدا^(ص) بودند و مصلحت این بود که ابتدا خطر رفع شود و سپس اعاده حیثیت شود.



ب) صلح حدیبیه و هم پیمانی خزاعه با رسول الله (ص)

پیامبر خدا (ص) در شوال یا ذی القعدة سال ششم هجری آماده عزیمت به مکه گردید. منشأ این تصمیم رویای صادقه پیامبر (ص) بود (واقدی، ۱۴۰۹، ۵۷۲/۲؛ سوره فتح، (۴۸)، (۳۷)).

آن حضرت به یاران خویش دستور داد که برای این سفر آماده شوند و سلاحی جز شمشیر در غلاف به همراه نیاورند. ۱۴۰۰ یا ۱۵۰۰ تن از صحابه و از قبیله اسلم صد نفر و به قولی هفتاد نفر با رسول خدا (ص) همراه شدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۲۰۰/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۵۷۴/۲) بر اساس گزارش واقدی، پیامبر (ص) برای نشان دادن حسن نیت خود به قریش و نیز اعراب سر راه، صحابه شتران قربانی را نشان‌دار کرده و قلاده بر گردنشان آویختند (واقدی، ۱۴۰۹، ۵۷۳/۲).

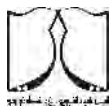
هنگامی که رسول خدا (ص) خواب دید وارد کعبه شده، سر تراشیده و در عرفه وقوف کرده است، اصحاب را برای انجام عمره فراخواند و چون آنان آماده حرکت شدند، بسر بن سفیان، وی از تیره قمیر بن حبشیه، از سلول بن کعب، از قبیله خزاعه - چند روز مانده از شوال برای دیدار و عرض سلام خدمت رسول الله (ص) رسید، چون وی قصد نداشت به سوی خانواده‌اش بازگردد، آن حضرت به او فرمود: شتاب مکن و همراه ما بیا که ما قصد انجام عمره داریم.

بسر در مدینه ماند و رسول خدا (ص) به او فرمود تا برای ایشان قربانی خریداری کند. بسر قربانی‌ها را خرید و به ذی جدر - محلی در شش میلی مدینه - (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۲۳۹/۱) فرستاد و هنگام خروج از مدینه، آنان را بازگرداند (شامی، ۱۴۱۴، ۳۳/۵) تا همراه سپاه به مکه ببرند. پس از این، بسر از سوی رسول خدا (ص) مأموریت یافت برای کسب اخبار از قریش پیش از کاروان حرکت کند

(واقدی، ۱۴۰۹، ۵۹۲/۲). بسر رفت و وارد مکه شد و سخنان قریش را شنید و بازگشت و در «غدیر ذات اشطاط» رسول خدا(ص) را ملاقات کرد. آن حضرت از قریش، از او پرسید و بسر از آمادگی آنان برای جلوگیری از ورود مسلمانان به مکه خبر داد (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۲۹۶/۱؛ طبری، ۱۳۸۷، ۶۲۲/۲). قریش چون از حرکت پیامبر(ص) آگاه شدند، مصمم به جلوگیری از ورود وی به مکه گردیدند. آنان این اقدام پیامبر(ص) را درحالی که بین مشرکان و ایشان حالت مخاصمه وجود داشت توهین به حیثیت خویش تلقی می کردند، به همین دلیل سوارانی را به فرماندهی خالد بن ولید و یا عکرمه بن ابی جهل و یا هر دوی آنها به کراع الغمیم بر سر راه پیامبر(ص) فرستاد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۲۰۰/۲).

بریده بن حصیب اسلمی هم همراه رسول خدا(ص) بود زمانی که رسول الله(ص) جاسوسان قریش را دید فرمود: کدام یک از شما دروازه ذات الحنظل را می شناسید؟ بریده گفت: من. دستور داد بریده پیشاپیش جمعیت حرکت کرد، اما پس از اندکی بریده راه را نشناخت و حضرت دستور داد شخص دیگری راهنما باشد و این کار را به عمرو بن عبد نهم اسلمی سپرد و آنها را به سمت دروازه ذات الحنظل برد. در این غزوه اسلمی ها، پیامبر(ص) را همراهی می کردند. (واقدی، ۱۴۰۹، ۵۸۳/۲-۵۸۴).

در نخستین ساعات ورود پیامبر(ص) به حدیبیه، عمرو بن سالم و بسر بن سفیان که هر دو از قبیله خزاعه بودند. از آن حضرت و یاران ایشان به گرمی استقبال کرده تعدادی گوسفند به رسول الله(ص) و سعد بن عباده دادند و حتی رسول الله(ص) در حق او دعا کرده، از خداوند خواستند تا به او برکت بدهد. حتی در روایت دیگری از ام سلمه، همسر رسول خدا(ص) که در این سفر همراه آن



حضرت بود نقل شده است کسی که این هدایا را نزد رسول خدا(ص) آورد غلامی از خزاعیان بود. پیامبر(ص) او را در مقابل خود نشانید و در پی چند پرسش و پاسخ دستور فرمود تا جامه‌ای به او دادند. غلام گفت: می‌خواهم دست شما را لمس کنم و از آن برکت بگیرم و آن حضرت فرمود نزدیک بیا. او نزدیک آمده دست رسول خدا(ص) را گرفت و بوسید (واقعی، ۱۴۰۹، ۵۹۱/۲-۵۹۲). پس از استقرار رسول الله(ص) در حدیبیه، بدیل بن ورقاء خزاعی و گروهی از قبیله خزاعه به نزد رسول خدا(ص) آمدند، ایشان از رازداران و نیک خواهان آن حضرت(ص) در سرزمین تهامه بودند که گروهی از ایشان مسلمان و گروهی دیگر هم پیمان بودند؛ و هیچ‌چیز را در تهامه از رسول خدا(ص) پنهان نمی‌داشتند و به رسول الله(ص) گفت: قوم کعب بن لوی را دیدم که بر آب‌های حدیبیه فرود آمده‌اند و سر جنگ با تو دارند و نمی‌گذارند سوی کعبه روی رسول الله(ص) هم در پاسخ ایشان فرمود: ما برای جنگ با هیچ کس نیامده‌ایم، بلکه آمده‌ایم تا بر خانه خدا طواف کنیم و هر کس ما را از این کار بازدارد، با او جنگ می‌کنیم (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۲۰۱/۲).

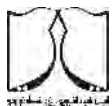
بدیل سخنان آن حضرت را شنید و سوار بر اسب شد و با همراهان خود پیش قریش رفتند. عمرو بن سالم خزاعی هم همراه آن‌ها بود، بدیل به قریشیان گفت: «ای قریش، شما تعجیل می‌کنید به جنگ محمد(ص) ولیکن محمد خود سر جنگ با شما ندارد و به زیارت کعبه آمده است، نه به جنگ و محاربت»؛ اما جماعت قریش سخن ایشان را باور نداشتند و چنان گمان کردند که پیامبر(ص) با ایشان موافقتی کرده است (ابن هشام، ۱۴۱۸، ۲۷۸/۴-۲۷۹).



اما قریش گفتند اگر هم محمد قصد جنگ ندارد، هرگز اجازه نمی‌دهیم به زور وارد مکه شود تا عرب‌ها ما را شماتت کنند. قریش نمایندگانی را به نزد پیامبر^(ص) فرستادند و پیامبر^(ص) هم نمایندگانی به سوی قریش فرستاد، نخستین کسی که پیامبر^(ص) پیش قریش فرستاد خراش بن امیه خزاعی را سوار بر شتری از آن خود به نام «ثعلب» به سوی قریشیان فرستاد تا پیام پیامبر^(ص) را به آنها منتقل کند. قریش قبل از انجام راهکارهای پیامبر^(ص) و تأثیر این راهکارها در برخوردهای آنها شتر خراش را کشتند و خود وی را به زحمت از دست آنها جان سالم به در برد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۲/۲۰۳).

بدیل بن ورقاء، عروه بن مسعود و حلیم بن علقمه هر کدام به نوعی سعی در منع قریش از دست یازیدن به جنگ داشتند و نقش بدیل بن ورقاء و یارانش در این واقعه انکارناپذیر است. بعد از ارسال پیام‌ها و گفتگوها و مذاکرات بسیار که با فراز و نشیب‌های زیاد همراه بود، بالأخره توافق بر سر صلح صورت گرفت. در هنگام بازگشت پیامبر^(ص) به مدینه، سوره فتح در تأیید این پیمان بر پیامبر^(ص) نازل گردید.

بر اساس یکی از مفاد صلح‌نامه حدیبیه، مقرر شد که هر کس دوست دارد در عهد و پیمان محمد^(ص) قرار بگیرد می‌تواند چنان کند و هر کس دوست دارد در عهد و پیمان قریش قرار گیرد می‌تواند. به دنبال این مفاد، قبیله خزاعه به پا خواستند و گفتند: ما به محمد پیوستیم و هم پیمان او هستیم؛ و کسان قبیله بنی بکر بر خاستند و گفتند: ما در پیوند و پیمان قریش هستیم (ابن هشام، ۱۴۱۸، ۲۸۵/۴-۲۸۶). این پیمان نتایج درخشانی برای گسترش اسلام در پی داشت، بسیاری از اعراب از گوشه و کنار شبه‌جزیره به آیین اسلام در آمدند و روانه



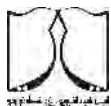
مدینه شدند و پیامبر^(ص) با استفاده از موقعیت مناسب ایجادشده، طرح‌ها، اقدامات و راهکارهای صحیح پیامبر^(ص) باعث شد تا این سفر پر ماجرا نتایجی گران‌بها را در پی داشته باشد.

از جمله در روز حدیبیه، خزاعی‌ها پیمان‌نامه خود با عبدالمطلب را نزد پیامبر^(ص) آوردند پیامبر^(ص) گفت: «مطالب این پیمان نامه برای من آشناست و شما بر همین پیمان مسلمان شده‌اید». اسلام، پیمان‌های دوران جاهلی را استوار می‌دارد، ولی در اسلام چنین پیمانی نیست یعنی در اسلام پیمانی با ویژگی‌های پیمان‌های جاهلیت بسته نمی‌شود و با تأیید دوباره این پیمان‌کار به پایان آمد؛ ولی پیامبر^(ص) با این شرط، تجدید پیمان را پذیرفت که به هیچ ستمگری یاری نرساند و تنها به یاری ستمدیده بر خیزد (حمید الله، ۱۳۷۴، ۳۳۰). پس از این رو پیمان همه خزاعیان مسلمان شدند و پیامبر^(ص) را تصدیق کردند. از این رو هنگامی که علقمه بن علائه و دو پسر هودّه هجرت کردند، پیامبر^(ص) نامه‌ای برای خزاعه نوشتند که در آن از خزاعیان بسیار تمجید و به نیکی یاد کرده‌اند.

این نامه را واقدی چنین آورده است: «بسم الله الرحمن الرحيم از محمد رسول الله^(ص) به بدیل و بسز و آزادگان بنی عمرو، سلام بر شما باد. خدا را ستایش می‌کند؛ خدایی که پروردگاری جز او نیست؛ اما بعد، من پیمان شما را نمی‌شکنم و هیچ کس را با شما برابر نمی‌دانم. گرامی‌ترین مردم تهامه نزد من، شما هستید و از همه از نظر خویشاوندی به من نزدیک‌ترید و نیز پاک‌نهادانی که از شما پیروی و تبعیت کنند. من برای کسانی از شما که هجرت کرده‌اند همان را می‌خواهم که برای خود هر چند که در سرزمین خود هجرت کرده باشد، غیر از ساکنان مکه، مگر عمره کنندگان و حج‌گزاران و چون صلح و مسالمت

پیش آید هرگز جزیه ای بر شما نهاده نخواهد شد. از من نهراسید و از جانب من در هراس و محاصره نخواهید بود؛ اما بعد علقمه بن علاثه و دو فرزندش هم مسلمان شدند و به سوی کسانی از قبیله عکرمه که از آن دو پیروی می‌کردند هجرت نمودند. به هر حال من برای هر کس از شما که از من پیروی کند همان را می‌خواهم که برای خود و به هر صورت ما در حرم و غیر حرم همه از یکدیگریم. سوگند به خدا هرگز به شما دروغ نمی‌گویم و پروردگارتان شما را دوست می‌دارد. (حمید الله، ۱۳۷۴: ۳۳۱-۳۳۰). در برخی منابع آمده است که رسول خدا(ص) در جمادی الثانی سال هشتم برای قبیله خزاعه نامه‌ای نوشت و در آن بدیل بن ورقاء و بسر را مورد خطاب قرارداد و حمایت خویش را از آنان اعلام فرمود (طبری، بی‌تا، ۳۰/۲).

به وضوح می‌توان نقش خزاعی‌ها را در صلح حدیبیه مشاهده نمود، به خصوص در زمان ریاست بدیل بن ورقاء خزاعی که خزاعی‌ها با این معاهده، حلف رسول خدا(ص) شدند و بعد هم پیوندش را با بنی‌هاشم حفظ کردند. هوشیاری و درایت و ذکاوت و تدبیر بسیار بالا و شناخت عمیق پیامبر(ص) از اوضاع و احوال و نوع برخوردش یکی از عوامل اسلام خزاعه بود و پیامبر(ص) از این فرصت پیش‌آمده نهایت استفاده را در دعوت قبایل و طوایف به اسلام نمود و نمایندگان و مبلغان خود را به اطراف و اکناف برای دعوت به اسلام فرستاد. همان طور که گفته شد در این معاهده حضور اسلمی‌ها که شاخه‌ای از قبیله خزاعه‌اند چشم‌گیر است از جمله افرادی که در آن شرکت داشتند می‌توان به این افراد اشاره کرد: جرهد اسلمی که در بیعت رضوان هم شرکت داشت (ابن یونس، ۱۴۲۱: ۸۷). ابو حدرد اسلمی که نامش سلامه (ابن قانع، ۱۴۱۸، ۲۸۲/۱)



و نام پدرش عمیر بن سلام بود که به ابو حدرد شهرت داشت. بر اساس بیشتر منابع وی در حدیبیه شرکت داشت (ابن حجر، ۱۴۰۴، ۷۲/۱۲). می‌توان به حضور چشم‌گیر بریده بن حصیب اسلمی اشاره کرد که وی پس از غزوه حدیبیه گروهی از اسلمیان را در منطقه آبگیر اشطاط - سه میلی عسفان - نزد رسول خدا (ص) آورد و عرض کرد: یا رسول‌الله (ص) این محل سکونت قبیله اسلم است. گروهی از آنان به مدینه هجرت کرده‌اند و گروهی نیز با حیوانات و دام‌های خود در این منطقه مانده‌اند (احمد بن حنبل، بی‌تا، ۵۵/۴).

نقش جهادی و خطیر اسلمی‌ها با این سخن پیامبر (ص) مورد تأکید است که فرمود: ای اسلمی‌ها دورتر بروید و بادها را بالا ببرید و در دره‌ها سکونت کنید. گفتند: پیامبر خدا (ص): ما می‌ترسیم این هجرت به زیان ما باشد. فرمود: شما هر کجا باشید مهاجر هستید. (یمانی و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۵).

سپس علاء بن حضرمی را صدا زد و دستور داد قبیله اسلم و مسلمانان پیمان‌نامه زیر را بنویسد: «این پیمان‌نامه‌ای است از سوی محمد پیامبر خدا (ص) برای قبیله اسلم: آن کس که در راه خدا از جایگاه زندگانی خویش دور گردد و گواهی دهد که خدایی جز او نیست و محمد بنده و فرستاده اوست، بی‌گمان به خدا ایمان آورده است و در پناه او و پیامبرش خواهند زیست تصمیم ما و شما نسبت به کسی که بر ما ستم کند، یکسان است. دست یکی و پیروزی یکی است. در این پیمان بیابان‌نشینان قبیله اسلم، شهرنشینان ایشان برابرنند. اینان هر جا که باشند، در شمار مهاجران‌اند (واقدی، ۱۴۰۹، ۷۸۲/۲). اسلمی‌ها در غرب مدینه سکونت داشتند که بدون واسطه از آغاز دین اسلام را پذیرفتند. صحابیان

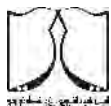
دلاوری از قبیل سلمه بن اکوع، عامر بن اکوع و ابوبرزه اسلمی و دیگران از آنان می‌باشند (همانجا).

این قبایل از آغاز به نقش خودآگاهی یافتند و پیامبر (ص) را کمک نمودند و به آن افتخار می‌کردند و شایسته ستایش از جانب پیامبر شدند که در مورد اسلم فرمود: خداوند اسلم را سلامت نگه دارد و پیامبر (ص) دوست و مولای اسلم است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۲۶۵/۱) و پیامبر (ص) توانست این قبایل را از طریق اسلام و یا هم پیمانانی به صف خود بکشاند.

فتح مکه و نقش خزاعی‌ها در آن

نخستین عامل ظاهری فتح مکه با جنگ دو قبیله «خزاعه» و بنوبکر با همکاری قریش آغاز گردید و خزاعی‌ها از پیامبر (ص) که از هم پیمانانشان بودند درخواست کمک نمودند. خزاعی‌ها در دوره جاهلیت دشمنی دیرینه‌ای با قبیله بنی بکر داشتند. علت آن این بوده است که مردی به نام «مالک بن عباد» از قبیله بنوبکر برای تجارت به سفر می‌رفته است. در یکی از سفرهای خود، هنگامی که به سرزمین خزاعه رسیده او را کشتند و اموالش را به غارت بردند. پس از آن مردی از خزاعه به بنی بکر بدیل گذاشت که آن‌ها هم او را کشتند و در نتیجه میان ایشان جنگ در گرفت.

بعد از مدتی هنگامی که فرزندان «اسود بن رزن دیلی»، به نام‌های ذویب «سلمی» و «کلثوم» که از بزرگان بنوبکر بوده‌اند، از نزدیکی محل سکونت خزاعه می‌گذشتند، خزاعی‌ها آن‌ها را به قتل رساندند (واقعی، ۱۴۰۹، ۷۸۱/۲؛ ابن سید الناس، ۱۴۰۶، ۱۶۴/۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ۴۳/۳). به خاطر اسلام ظاهراً دست از



یکدیگر برداشتند اما در باطن هم چنان نسبت به هم دشمنی و عداوت داشتند و چون اسلام همه اطراف آن‌ها را فرا گرفته بود، از جنگ با یکدیگر خودداری می‌کردند تا آنکه صلح حدیبیه پیش آمد و خزاعه در عقد حمایت رسول خدا^(ص) قرار گرفتند و پیمان آن حضرت را پذیرفتند (امین، بی‌تا، ۱/۲۷۴). خزاعی‌ها پیش از اسلام از هم پیمانان عبدالمطلب بودند و پیامبر^(ص) نیز از این پیمان با اطلاع بود (حلبی، ۱۴۰۰، ۳/۳). آخرین درگیری میان خزاعه و بنی بکر این چنین بود که هنگامی که دو سال از پیمان حدیبیه می‌گذشت، مردی از قبیله بنو بکر به نام «انس بن زنیب دیلی» شعری در مذمت پیامبر^(ص) بیان کرد. نوجوانی از خزاعه آن را شنید و به انس حمله برد و سر او را شکست.

بعد از این حادثه با توجه به سوابقی که میان ایشان بود و بنی بکر در صدد انتقام و خونخواهی از خزاعه بودند، آتش جنگ در میانشان شعله‌ور گردید (طبرسی، ۱۴۱۷، ۱/۲۱۵). بنی نفاثه که از بنی بکر بودند، با اشراف قریش صحبت کردند که آن‌ها را برای جنگ با بنی خزاعه از لحاظ تجهیزات جنگی و اسب‌های تیز رو و سلاح یاری بدهند و آن‌ها را کامل مجهز بنمایند (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۴/۲۸۱).

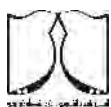
به این ترتیب قریش با شتاب فراوان با ایشان هماهنگ شدند، به غیر از ابوسفیان که نه با او مشورت کردند و نه از این موضوع آگاه شد. گفته شده با ابوسفیان در این مورد مذاکره کردند ولی او نپذیرفت و مخالفت کرد. بنی نفاثه و بنی بکر گفتند، ما از عهده خزاعه بر می‌آییم و قریش هم ایشان را از لحاظ سازوبرگ نظامی یاری دادند، خودشان هم در جنگ شرکت کردند و شبانه درحالی که قبیله خزاعه در کنار آبی از خودشان به نام «وتیر» خوابیده و بعضی در حال عبادت



بودند به آن‌ها یورش برده و خزاعه هیچ آمادگی و اطلاعی هم از دسیسه دشمن نداشتند. بنی بکر شروع به کشتن افراد بنی خزاعه کردند و آن‌ها را تا محل ستون‌های حرم مکه تعقیب کردند. قبیله خزاعه هم که توان مقابله نداشتند وقتی داخل حرم شدند فرار کردند. بنی خزاعه به نوفل بن معاویه می‌گفتند: رعایت حرمت خدای خود را بکن! مگر نه این است که وارد حرم شده‌ای؟ نوفل می‌گفت: شما که در قدیم هم از حاجیان دزدی می‌کردید حالا خون خود را از دشمن خویش گرفتید؟ اکنون هم بدون اجازه من حق ندارد به خانه و پیش زن خود برود و هیچ کس هم خون‌خواهی خود را از امروز به تأخیر نیندازد (واقدی، ۱۴۰۹، ۷۸۶/۲). قبیله خزاعه زمانی که به مکه رسیدند به خانه «بدیل بن ورقا» و «رافع خزاعی» - بنده آزادشده خودشان - وارد شدند (واقدی، ۱۴۰۹، ۷۸۳/۲).

در آن شب بنی بکر و قریش بیست نفر از خزاعه را کشتند و صبح آن روز، تمام بنی خزاعه همراه کشتگان بر در خانه بدیل جمع شدند. قریشیان از این که بنی بکر را یاری داده بودند، سخت پشیمان و بیم‌ناک شدند و متوجه شدند که در واقع پیمان میان خود و رسول خدا^(ص) را شکستند (واقدی، ۱۴۰۹، ۷۸۴/۱). بعد از این جریان، رئیس خزاعه به نام «عمرو بن سالم» به همراه چهل نفر - که بدیل بن ورقاء نیز همراهشان بود - برای دادخواهی و طلب یاری به حضور پیامبر^(ص) آمد و مصیبتی را که بر سرشان آمده بود و یاری قریش به بنی نفاثه را با سلاح و نیرو به اطلاع پیامبر^(ص) رساند (واقدی ۱۴۰۹، ۷۸۹/۲).

پیامبر^(ص) فرمود: ای ابوسفیان آیا عهدشکنی کرده‌اید؟ جواب داد: نه ای رسول‌الله. حضرت فرمودند: اگر شما حيله‌ای نکرده و پیمان را شکسته‌اید من



هم بر پیمان خود هستم به هر حال ابوسفیان با دست خالی و بدون انجام کاری به مکه بازگشت. پیامبر^(ص) بعد از اینکه اعلام عمومی برای جنگ کرد به تمامی مسلمانان در شهرها نامه نوشتند تا مردان آنها به مدینه بیایند. بعضی قبیله‌ها از جمله قبیله اسلم که شاخه‌ای از خزاعه بود به مدینه آمدند (مقریزی، ۱۴۲۰، ۳۸۵/۸).

برای حرکت به سوی مکه، سپس افراد قبیله اسلم که چهار صد نفر بودند به همراه دو پرچم عبور کردند که یکی را بریده بن حصیب و دیگری را ناجیه بن اعجم حمل می‌کرد. ایشان هنگامی که مقابل ابوسفیان رسیدند سه مرتبه تکبیر گفتند. سپس قبیله عمرو بن کعب که پانصد نفر بودند، عبور کردند و پرچمشان را بسر بن سفیان حمل می‌کرد. ابوسفیان گفت: این‌ها هم پیمان‌های محمدند. ایشان هم وقتی مقابل ابوسفیان رسیدند، سه بار تکبیر گفتند (واقدی، ۱۴۰۹، ۸۱۹/۲).

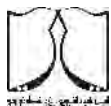
بر پایه گزارش هنگام فتح مکه، پیامبر^(ص) به اَسْمَاءُ بِنِ حَارِثَةَ اسْلَمِیْ مَأْمُورِیْتِ داد نزد قبیله خود برود و به آنها ابلاغ کند که به فرمان رسول خدا^(ص) ماه رمضان در مدینه حاضر باشند (واقدی، ۱۴۰۹، ۷۹۹/۲). پیش از فتح مکه نیز بسر بن سفیان از سوی رسول خدا^(ص) مأمور شد به قبیله خود بنی کعب از خزاعه برود و به آنان دستور دهد ماه رمضان در مدینه حاضر باشد و آنان را برای نبرد با اهل مکه فراخواند (واقدی، ۱۴۰۹، ۸۰/۲). قبیله خزاعه نیز در این فتح پرچمشان را عمرو بن سالم حمل می‌کرد. این فتح آغازی نو را در تاریخ عرب رقم زد، زیرا طومار بت پرستی بر چیده شد و اشخاصی که تا آن روز اسلام

نیاورده بودند مجبور شدند اسلام بیاورند و مسلمان شوند و تعداد زیادی از
قبیله خزاعه هم به اسلام گرویدند.



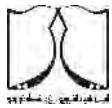
نتیجه گیری

در مجموع می توان گفت بنی خزاعه در مواجهه با اسلام همانند سایر بطون و قبیله ها در برابر اسلام دو جبهه متفاوت اختیار کردند. از یک سو سران و اشراف قرارداد که همگام با دیگر بزرگان قریش در مقابل پیامبر (ص) ایستادگی کردند و ایمان نیاوردند و برای حفظ پایگاه خود به دشمنی با اسلام ادامه دادند و این گروه تا زمان غزوه مریسیع تسلیم نشدند. علی رغم همه سخت گیری های قریش، آئین اسلام روز به روز در خانه های مکه در میان قبایل طنین انداز می شد؛ و پیامبر (ص) توانست به تدریج شمار زیادی از بنی خزاعه را به اسلام جذب نمایند که این امر در جامعه عرب جاهلی یک تحول چشمگیر بود. پیروزی های مکرر سپاه اسلام، غزوه مریسیع، صلح حدیبیه، درهم شکسته شدن قدرت قریش، رفتار رسول خدا (ص) با خزاعی ها و اسیرانشان، ازدواج با جویرییه و نوشتن نامه به سران آن ها در تسلیم شدن سران بنی خزاعه نقش بسزایی داشت. خزاعی ها نیز یکی از مهم ترین اسباب و عوامل فتح مکه بوده اند و حضور و تأثیر آن ها در این امر به خوبی نمایان است.



منابع

- ابن حزم اندلسی، ابی محمد علی بن احمد بن سعید (۱۴۰۳). **جمهره الانساب العرب**، تحقیق لجنه من العلماء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن کلبی، ابی منذر هشام بن محمد بن السائب (۱۹۳۹). **النسب معد و الیمن الکبیر**، تحقیق و خط و مشجرات فردوس العظم، قراء ریاض عبدالحمید، دمشق، دارالیقظه العربیه.
- ازرقی، ابی الولید محمد بن عبدالله احمد (۱۲۷۵). **اخبار مکة شرفها الله و تعالی و ما جاء فیها من الآثار**، روایه ابی محمد اسحاق بن احمد بن اسحاق ابن نافع الخزاعی، بی جا، مطبع المدرسه المحروسه.
- ابن حبان، محمد (۱۳۹۳). **الثقات**، حیدر آباد هند، موسسه الکتب الثقافه.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۰۸). **دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب**، تحقیق خلیل شحاذه، بیروت، دارالفکر، الطبعة الثانیه.
- ابن یونس، عبدالرحمان (۱۴۲۱). **تاریخ المصریین**، تحقیق عبدالفتاح فتحی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن قانع، عبدالباقی (۱۴۱۸). **معجم الصحابه**، تحقیق صلاح بن سالم مصراتی، مدینه منوره، مکتبه الغرباء الاثریه.
- ابن حجر، احمد بن علی (۱۴۰۴). **تهذیب تهذیب**، بیروت، دارالفکر.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰). **الطبقات الکبری**، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- احمد بن حنبل (بی تا). **مسند احمد**، بیروت، دارصادر.



ابن هشام، ابی محمد عبدالملک (۱۴۱۸). **السیره النبویه**، حقق اصولها و فصولها و كتب مقدماتها و ضبط الفاظها و وضع فهرسها عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالجيل، الطبعة الثانية.

ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن (۱۳۸۵). **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دارصادر للطباعة و النشر.

ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵). **تاریخ مدینه الدمشق**، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.

ابن سید الناس، محمد بن عبدالله (۱۴۰۶). **عیون الاثر**، بیروت، مؤسسه عزالدین. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷). **بیروت، دارالفکر**.

بغوی، عبدالله محمد (۱۴۲۱). **معجم الصحابه**، تحقیق محمد الامین الحکنی، کویت، مکتبه دارالبيان.

حمیدالله، محمد (۱۳۷۴). **نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام**، ترجمه سید محمد حسینی، تهران، سروش.

حلبی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۰). **سیره الحلبيه**، بیروت، دارالمعرفه.

ذهبی، محمد بن احمد (بی تا). **تجرید أسماء الصحابه**، بیروت، دارالمعرفه.

طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). **المعجم الكبير**، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.

طبرسی، علی بن فضل (۱۴۱۷). **اعلام الوری**، قم، مؤسسه آل البت.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). **تاریخ الرسل و الملوك**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.

شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، تحقیق احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه.
محسن امین (بی تا). اعیان الشیعہ، تحقیق حسن احمد، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (بی تا). التنبیه و الاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دار الصاوی.

مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۲۰). إمتاع الاسماع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، موسسه الاعلمی، ط الثانية.

یمانی، عبده و دیگران (۱۳۸۹). مجموعه مقالات غزوه بدر کبری، ترجمه شهلا بختیاری، قم، نشر مورخ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دانشگاه خوارزمی